دانشجو

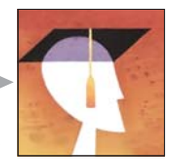

پیمان صفردوست

پیک‌نیک علمی!

«مـا آخـرش هـم نفهمیدیم هـدف از این بازدیدهـای به اصطلاح علمی چیسـت»؟! این حـرف یکی از دانشـجویان سـال دوم رشـته داروسازی بود:

«کلی منت سرمان می‌گذارند که یک بازدید علمی برایمان در نظـر گرفته‌اند. کجا؟! یکی از مراکز داروسـازی اطراف تهـران. البته نه اینکه فکر کنید یک مجـوز حاضر و آماده تحویلمان می‌دهند. نه؛ تمام نامه‌نگاری‌ها و هماهنگی‌ها را می‌اندازند گردن خودمان. تازه بعد از دردسرهای اداری، می‌رسیم به هماهنگ کردن هم‌کلاسی‌ها و ثبت‌نام و گرفتن سرویس و... .

با یکی از استادها هم که باید از پیش هماهنگ کنیم تا آن روز، دانشجوها را در محل راهنمایی کند. روز بازدید، دو تا ماشین (یکی مردانه، یکی زنانه)! می‌گیریم و کلی دانشجو را که بیشترشان هم سال اولی هستند، به خط می‌کنیم که برویم و علم‌هایمان را عملی‌تر ببینیم.

خلاصه دردسـرتان ندهم، می‌رسیم به مرکز داروسازی که چیزی شبیه بیشـتر اداره‌هاست. یـک راهروی نسـبتاً عریـض و طولانی که در هـر دو طرف به اتاق‌های مختلفی راه دارد. اتاق کنترل، بیوشیمی، میکروبیولوژی و ...

در یکـی از این اتاق‌ها، از دور طرز کار چند دستگاه را توضیح می‌دهند. ما هم با اینکه چیزی از گفته‌هایشان سر در نمی‌آوریم، سری به نشانه تأیید تکان می‌دهیم. در اتاق بعد، چند نفر پشت میکروسکوپ‌ها نشسته‌اند و نمونه‌ها را یکی یکی بررسی می‌کنند. راهنما نقش این قسمت را نیز در پروسـه تولید توضیح می‌دهد و باز دستگاه‌ها را از دور نام می‌برد. مـا هم همچنان با تکان دادن سر تأیید می‌کنیم و همین‌طور تا آخرین اتاق این جریان ادامه پیـدا می‌کند. البته نوع فعالیت چند اتاق به دلیل رعایت اصول امنیتی و چندتای دیگر هم به دلیل رعایت اصول بهداشـتی، از پشـت درهای بسته توضیح داده می‌شود.

در آخـر هم یـک بروشـور از فعالیت‌های مرکز دسـت هر کدامـمـان می‌دهنـد و بعد از پذیرایی‌شدن با یک ساندیس و کیک، برمی‌گردیم به خانه‌هایمان.

این داستان با کمی بالا و پایین، حکایت کل بازدیدهای علمی ماسـت. آموزش از راه دوری که می‌شود آن را در کلاس و با نشان دادن چندتا عکـس هم انجام داد. خب اگر قرار اسـت تنها قسـمت عملی و ملموس این بازدیدها پذیرایی با ساندیس و کیک باشد، آیا بهتر نیست به جای وقت تلف کردن در ایـن گونه مراکز، موزه‌ای، باغ‌وحشـی و یا مکان تاریخی‌ای را برای بازدید در نظر بگیرند تا لااقـل اگر بار علمی ندارد، از نظر فرهنگی تقویتمان کند؟!»

همین!

روزشمار

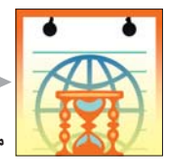

مرتضی جلالی فخر

۱۵ مهر

۷ اکتبـر ۱۹۳۹ میـلادی:در ایـن روز«جان هیولینگز جکسـون» در گذشت. او اولین کسی بود که به این نتیجه رسـید صـرع در اثر تخلیه الکتریکی سریع سلول‌های مغز اتفاق می‌افتد.

۱٦ مهر

۸ اکتبر ۱۹۱۷ میلادی:«سـزار میشتاین »در این روز متولد شد.او کسی بود که توانست آنتی‌بادی‌های مونوکلونال را بسـازد و به همین دلیل توانست در سال ۱۹۸٤ میلادی جایزه نوبل را ببرد .

۱۷ مهر

۹ اکتبـر ۱۹۹٦ میلادی:درگذشـت «رابرت هینگسون» ، او کسی بود که تکنیک زایمان بدون درد را به خانم‌ها هدیه داد.

۱۹ مهر

۱۱ اکتبر ۱۹٤۵میلادی:تولـد« رابرت گیل»، پزشک چرنوبیل. او در سال ۱۹۸٦ پس از حادثه چرنوبیل به روسیه سـفر کرد و تعداد زیادی از آسیب‌دیدگان را داوطلبانه درمان نمود.

۲۱ مهر

۱۳ اکتبر ۱۸۲۱ میلادی :در این روز «رودلف ویرشو» به دنیا آمد. او غیر از اینکه به عنوان پایه گذار آسیب‌شناسـی سلولی شناخته می‌شود، در نقش یک سیاستمدار هم دارای شهرت است.

۲۳ مهر

۱۵ اکتبـر ۱۵٦٤ میـلادی : درگذشـت «آندریاس‌وزالیوس»، او یک آناتومی‌دان بلژیکی بـود. خیلی‌ها می‌گویند کتاب او بـه نام «درباره سازوکار بدن انسان» سرآغاز دانش نوین پزشکی است.

از سال ۱۳۱۶ ،یعنی زمان تأسیس مدرسه پرستاری، دانشجویان پس از فراغت از تحصیل طبق تعهدات ، برابر سال های تحصیل در مناطق مورد نیاز خدمت می کردند. با وجود اینکه تا امروز قوانین زیادی اجرا یا لغو شده اند، این طرح همچنان وجود دارد.

سربازی در بیمارستان

ماندہ اورعی

پرستاران همیشه با مشکلات زیادی مواجه‌بوده‌اند، ازحقوق کم و شیفت‌های سخت گرفته تا نبود پرستار کافی، در این میان، به پرسـتاران طرحی فشار بیشتری وارد می‌شود، هر چند آنها هم پا به پای پرستاران رسمی و یا شاید بیشتر از آنها زحمت می‌کشند.

واقعیت این است که تمام دانشجویان پرستاری برای گرفتن مدرک خود باید دوران ۲ ساله طرح را بگذرانند و این چیز جدیدی نیست. از سال ۱۳۱٦، یعنی زمان تأسـیس مدارس پرستاری که دوره آنها سه سـال بود، طرح پرسـتاری به عناوین مختلف وجود داشـته است. دانشـجویان پس از فراغت از تحصیل طبق تعهدات، برابر سـال‌های تحصیل در مناطق مورد نیاز خدمت می‌کردند. مدرک تحصیلی که به این دانشـجویان داده می‌شد، معادل لیسانس بود. با وجود اینکـه تا امروز قوانین زیادی اجرا یا لغو شده‌اند، این طرح همچنان وجود دارد.

«شیفت‌های ما خیلی فشـرده است. سرپرستار فقط شـیفت‌های عصر و شـب را برای طرحی‌ها می‌گـذارد. اگـر هم پرسـنل صبـح کار بخواهند مرخصـی بگیرند، پرسـنل طرحی بایـد جور آنها را بکشـند چون می‌خواهند در این ۲ سـال نهایت اسـتفاده را از مـا ببرنـد ،کار زیاد بـا حقوق کم».

نظر بیشـتر پرسـتاران طرحی همین است و یکی از خواسـته‌های همه آنها، افزایش تعداد پرسـتاران است. پرستاری که در کنار او ایستاده، حرف‌هایش را تأیید می‌کند و می‌گوید: «کار ما بسیار زیاد است. توقع سرپرسـتارهم بالاست وجای هیچ اعتراضی هم نیسـت. تازه اگر اعتراضـی هم بکنیم همکاران استخدامی با ما برخورد می‌کنند،کسانی که خودشان هم زمانی مانند ما مشغول گذراندن طرح بوده‌اند و شـرایط ما را داشـته‌اند. یکی از مشکلات ما همین عدم همکاری و درک نکردن همدیگر اسـت. حتی در دانشگاه و بین دانشجویان هم این مشکل وجود دارد. هر کسـی می‌خواهد خـودش را مطرح کند. البتـه این افراد چنـدان هم مقصر نیسـتند، چون نمی‌خواهند موقعیتشان را از دست بدهند».

تلفن زنـگ می‌زند و پرسـتار به سـراغ تلفن مـی‌رود. در این فاصلـه به خبری کـه چند وقت پیـش در خبرگزاری مهـر خوانده‌ام می‌اندیشـم. محمـد شـریفی مقدم، معاون پشـتیبانی سـازمان نظام پرسـتاری، گفته‌بود «مهم‌ترین امر در رعایت اسـتانداردهای بهداشـتی در مراکز درمانی، نیروی انسـانی است». این وضعیت در کشور به هیچ وجه ایده‌آل نیست. در اروپا و امریکا به ازای هر یک هزار نفر جمعیت،۷ تا ۸ پرسـتار وجود دارد، درحالی‌که برای عرضه حداقل خدمات بهداشـتی و درمانی به مردم، باید به ازای هر یک هزار نفر جمعیت سه نفر کادر پرستاری وجود داشته باشد، در حال حاضر،در کشـور به ازای هر یک هزار نفر جمعیت، یک نفر پرستار داریم. باید به ازای هر تخت بیمارستانی دو نفر کادر پرسـتاری وجود داشته باشد که این تعداد در ایران نیم نفر است.

پرستار برمی‌گردد. از او می‌خواهم به حرف‌هایش ادامه بدهد. می‌گوید: «فشـار روی پرسـتار طرحی خیلی زیاد است. هر چقدر هم خوب باشی بالاخره پرسـنل اسـتخدامی جایگاه بهتری دارند. آنها باید دیدشان را نسبت به طرحی‌ها عوض کنند و در آنها امید و انگیزه ایجاد کنند».

پرستار دیگری در بخش جراحی بیمارستان امام حسین می‌گوید: «سرپرستار از کار من خیلی راضی است، اما زمانی که می‌خواهد پرستار نمونه انتخاب کند، هیچ‌گاه یک طرحی را انتخاب نمی‌کند. پرسنلی را انتخاب می‌کند که سابقه کار بیشتری دارند. تقریباً همه پرسـتاران دوره طرح را مثل سربازی می‌دانند چرا که باید شـرایط سـخت را بدون شـکایت و اعتراض تحمل کنند».

بعد از شـنیدن اعتراض‌های پرسـتاران و پس از هماهنگـی با سـازمان نظام پرسـتاری، سـراغ دبیر شـورای عالی سـازمان می‌روم تا از او درباره مشـکلات پرسـتاران طرحی بپرسـم. اتاق« خانم سـالمی» در طبقه اول اسـت و با رویی گشاده از من اسـتقبال می‌کند. برایش از مشکلات پرستاران می‌گویـم و او ضمـن تأیید حرف‌هایـم می‌گوید: «چون پرسـتاران طرحـی تازه کار هسـتند و نیرو هم کم اسـت، بیشتر شیفت‌های سـخت را به آنها می‌دهند. البته پیگیر مطالباتشـان هسـتیم اما برای سـازمان بیشتر مسـائل و مطالبات عمومی اولویت دارد. ما یک کتابچه قانون داریم و قانون مشـخص کرده است که چه وظایفی بر عهده ماست. هر چند قاعده این است که تمام مطالبات پرستاران را حتی اگـر در قالب این قانون هم نباشـد، پیگیری کنیم ولـی مطالبات عمومی اولویت دارد».کتاب قانون را به من می‌دهد تا نگاهی به آن بیندازم . می‌گوید: «ما یک بانک اطلاعاتی داریم که شامل گروه پرستاری کل کشـور اسـت. هر کس در یکی از رشـته‌های گروه پرستاری فارغ‌التحصیل شود، می‌تواند این فرم را پر کند تا ما اطلاع داشـته باشیم چه تعداد پرستار طرحی داریم. وقتی ندانیم چند نفر پرستار طرحی داریـم، نمی‌توانیم وقت و انـرژی صرف کنیم و به دنبال کار آنها باشیم. هر چند این طرح برای حقوق و مزایا، قوانین مخصوص بـه خودش را دارد و ما خیلی نمی‌توانیم در آن دخالت کنیم».

قانون مشخص کرده است که چه وظایفی بر عهده ماست.هر چند قاعده این است که تمام مطالبات پرستاران را حتی اگر در قالب این قانون هم نباشد،پیگیری کنیم‌ولی مطالبات عمومی الویت دارد.

خانم سـالمی هدف از طرح پرسـتاری را این گونـه بیان می‌کنـد: «طرح دو هـدف دارد ؛ هدف اصلی، ایجاد مهارت‌های لازم در فرد است تا زمانی که استخدام می‌شود، مهارت کافی‌داشته باشد. هدف دیگر هم تأمین نیروی انسـانی با حقوق و مزایای کم است تا به این وسیله کمبود نیروی مناطق و دور افتاده تأمین شود».

او در ادامـه صحبت‌هایـش در مورد چگونگی دوره طـرح گفـت :«برای همکارانی کـه در گروه پرستاری هستند و بعد از سال ۱۳۸۰ فارغ‌التحصیلان شـده‌اند، طرح نیروی انسانی الزامی است ولی اگر قبل از سـال ۱۳۸۰ فارغ‌التحصیل شده‌اند و ازدواج کرده‌اند، می‌توانند از فعالیت طرح استفاده کنند. برای طرح هم حق انتخاب وجود دارد و متقاضی طرح با توجه به اعلام نیاز دانشگاهی که انتخاب کرده است، دوره طرح خود را آغاز می‌کند و بعد از دوره طرح برای استخدام در اولویت قرار می‌گیرد».

وقتی از سالمی که عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه ایران هم هست، در مورد چگونگی طرح در سایر رشته‌ها می‌پرسم ،می‌گوید: «گذرانـدن دوره طرح برای آنهایـی که جزء گروه پزشـکی هستند وبرای کار باید از وزارت بهداشت مجـوز بگیرند،الزامی اسـت اما در رشـته مامایی اختیاری اسـت. در سایر کشـورها هم طرح وجود ندارد و این ساخته و پرداخته ماست».

در پایـان، وی معتقد اسـت که مهم‌تریـن راه حل مشـکلات پرسـتاران، در نزدیکی آنها با سازمان نظام پرستاری و آشنایی با قوانین و امتیازهای سازمان است.

پیشرو

آیدا اقصایی

پشت هر زن موفقی یک مرد ایستاده است!

نه! اشتباه چاپی نیست. گرچه معروف است که «پشت هر مرد موفقی، یک زن ایستاده است»، اما به نظـر می‌آید که عکس این قضیه هم صادق باشـد. یا حداقل این موضوع در مورد «لوسی‌هابس تیلور» [Lussi Habbs Taylor]، اولین زن دندان‌پزشک امریکا (و بـه احتمال زیاد، دنیا) مصداق دارد. حتی اگر آنقدر امتحانش را پس نداده باشد که به صورت ضرب‌المثـل در آیـد. اما این مرد چه کسـی بود؟ پدرش؟ نه! لوسی در ۱۲ سالگی نه پدر داشت و نه مادر و به عنـوان هفتمین فرزند از بین ده خواهر و برادرش، مجبور بود برای امرار معاش خیاطی کند. همسرش؟ باز هم نه! گرچه «جیمز تیلور» هم دندان پزشک بود، اما واقعیت این است که دندان‌پزشکی را بعد از ازدواج و از همسرش آموخت!

«دکتر ساموئل واردل» اولین مردی بود که پشت لوسی تیلور ایستاد و از او حمایت کرد، دندان‌پزشکی که لوسی پیش او کارآموزی کرده بود.

«لوسی تیلور» در سال ۱۸۳۳ در دنیایی متولد شد که ترجیح می‌داد زن‌هایش را به کانون گرم خانواده محـدود کند. دنیایی که زن‌هـای اجتماعی‌اش در بهترین حالت، می‌توانسـتند معلم یا پرستار شوند. لوسـی ۱٦ ساله بود که معلم شـد. حدود ۱۰ سال هم در میشیگان تدریس می‌کرد. سال ۱۸۵۹ بود که تصمیـم گرفت با پولی که طی این ۱۰ سـال جمع کرده، دنبال بـرآورده کردن آرزوهـای کودکی‌اش بـرود. چمدانش را برداشـت و راهی اهایو شـد. «کالج پزشـکی اهایو» تنها جایی بود که دانشجوی دختر هم می‌پذیرفت،اما هنگام مراجعه لوسی‌تیلور، قانون جدیدی تصویب شـده بود که آنها را هم از قبول دانشـجویان زن معاف می‌کرد. لوسی با هزار زحمت، یکی از اسـتادان کالـج را متقاعد کرد که به‌طور خصوصی به او تدریس کند، ولی او لوسـی را مجاب کرد که دندان‌پزشـکی رشته مناسب‌تری برای خانم‌هاست. در آن دوران، رسم بر این بود که دانشجویان دندان‌پزشکی قبل از ورود به این رشته یک دوره کارآمـوزی می‌گذراندند. همان زمان بود که با «دکتر واردل» آشـنا شد. لوسـی روزها را در مطب دکتر می‌گذراند و شب‌ها خیاطی می‌کرد. این ماجرا دو سـال ادامه داشت. وقتی برای ثبت نام به «کالج دندان‌پزشـکی اهایو» مراجعـه کرد، با همان جمله‌های همیشگی از او استقبال کردند. «دانشجوی زن نمی‌پذیریـم»! «دکتر واردل» کـه از توانایی‌های لوسی اطمینان داشت، او را تشویق کرد که کار خود را بدون مدرک آغاز کند. به این ترتیب تیلور در سن ۲۸ سالگی کار حرفه‌ای‌اش را در شهر «سین‌سیناتی» شروع کرد. سال بعد، به «بله وو» [Bellevue] رفت و در طول یک سال کارش چنان بالا گرفت که دیگر همه اهالی ایالت آیووا [Iowa] این زن دندان‌پزشک را به خوبی می‌شناختند.

حسن شهرت لوسی تیلور به «انجمن دندان‌پزشکی آیووا» رسید و از طرف اعضا به شرکت در جلسات انجمن دعوت شد. لوسـی در سال ۱۸٦۵ از طرف همکاران مذکرش، به عنوان نماینده دندان‌پزشـکان ایالت آیـووا به «اتحادیه دندان‌پزشـکی امریکا» در شیکاگو اعزام شد. این دومین باری بود که حمایت عده‌ای مرد، درهای جدیدی را به روی لوسی گشود. «کالج دندان‌پزشـکی اهایو» دیگر نتوانست از قبول این خانم دندان‌پزشک حاذق سر باز بزند، لوسی به عنوان دانشجوی سال آخر وارد کالج شد و در کمتر از ٤ ماه مدرک رسمی خود را گرفت.

در شـیکاگو بود که با همسـرش آشـنا شد و «جیمـز تیلور» دندان‌پزشـکی را بـا کارآموزی زیر دست لوسی، یاد گرفت. آنها به «لاورنس» در ایالت کانـزاس اسباب‌کشـی کردند و ۱۹ سـال تمام در مطب دو نفره‌شـان مریض ویزیت می‌کردند. گرچه هیچ‌وقت بچه‌دار نشـدند، اما بیشتر مراجعانشان را زن‌ها و بچه‌ها تشکیل می‌دادند.با مرگ «جیمز تیلور» در ۱۸۸٦، دکتر لوسـی تیلور هم خود را بازنشسته کرد. مدتی فعالیت‌هایش به شـرکت در جلسـات حزب‌جمهوری‌خـواه و حمایـت از حقـوق زنان محدود بود، اما در ۱۸۹۵ دوباره مطبش را فعال کرد که تا هنگام مرگش در ۷۷ سـالگی نیز همچنان دایر بود.۷۲سال بعد از مرگ «دکتر لوسی تیلور»، یعنی در سال ۱۹۸۳، اولین «جایزه لوسی‌هابس‌تیلور» به یک زن دندان‌پزشک اهدا شد. این جایزه هر سال از طرف «انجمن زنان دندان‌پزشک امریکا» (AAWD)، به زنان دندان‌پزشک برجسته این کشور اهدا می‌شود.